

انسان بودن وظیفه ایست سنگین- زیستن یعنی به آینده  
نگریستن

پیروز دوانی در مقاله آئین مردانگی چنین لب به سخن  
می‌گشاید: طلبیدن آزادی و رهایی مردم یعنی اعلام  
جنگ آشکار بر دشمنان مردم که با تکیه بر ثروت و  
قدرت حکومتی، نیروی مسلح، جهل و خرافه و ناآگاهی  
نیروی عظیم و بی‌رحم و شرم را در اختیار دارند.  
در این نبرد هزاران قهرمان و رادمرد فداکار و  
آرمانگرا برای سعادت ملت و بهروری ملت با غرور و  
افتخار جان بر سر آرمانهای مقدس خود گذاشتند. در  
تیرگی زندگی اسارت بار و پر از رنج مردم درخشیدند،  
روشنی دادند، سوختند تا راه را بر روندگان این  
طریقت نشان دهند و اینک بر ماست که از شهیدان خود  
الهام بگیریم و نیرو کست کنیم و راه شرافتمندانه و  
عادلانه آنان را دنبال کنیم. در برابر نیروی ظلم به  
زانو درنیایم بلکه افتان و خیزان قدمی به جلو  
برداشته و اندکی از این راه دشوار را هموار ساخته  
و قبل از اینکه نقش بر زمین گردیم این پرچم را  
مانند امانتی مقدس، این میراث ارزنده و والا را به  
دست نسل بعدی بسپاریم.

آری پیروز دوانی همچون اعتقادات خود در 4 سال آخر  
عمر خود افتان و خیزان و در مقابل سیل انگ و تهمت  
افترا اقدام به انتشار دیدگاهها و بولتنها و تدوین  
برنامه حداقل اتحاد چپ دمکراتیک و اتحاد برای  
دموکراسی نمود تا قبل از شهادتش مانند امانتی به  
نسل ما بسپارد.

پیروز دوانی غیر از فعالیت‌های چشمگیری که در دوران  
جوانی و نوجوانی خود داشته از سال 68 رسماً به صفوف

سیل مبارزانی پیوست که غرق در ماتم کشتارهای فاجعه ملی گشته بودند در جریان آمدن گالین دوپل به ایران جزء کسانی بود که در مقابل سازمان ملل فریاد آزادی زندانیان را سردادند و افشای محاکمات قربانیان را خواستار شدند.

پیروز در سال 73 با شرکت فعال خود در محفلهای سیاسی اجتماعی موفق گردید رخس اعظم نیروی چپ را که بیشتر هم نیروی با تجربه و دور از تعصبات گروهی خود بودند و بیشتر دغدغه آزادی عزیزان در بند و نگرا عواقت فروپاشی نظام سوسیالیستی در کشورشورهاها بودند از درون محفلهای کوچک بیرون کشیده و با درک شرایط حساس و تاریخی که جنبش چپ کشور در يك بحران جدی هویت و بحران عمیق ایدئولوژیکی و سیاسی سازمان قرار داشت . نیروهای مستقل و دمکراتیک نسل جوان جنبش چپ با اعلام اینکه تنها با نقد و بررسی و قضاوت نظرات متفاوت جنبش را در دستیابی به وحدت در تئوری رساند از کلیه هوادارن چپ درخواست نمود تا نظرات و اندیشه های خود را در رابطه با مسایل مهم تئوریک و سیاسی مطرح در جنبش چپ و از جمله در ارتباط با چگونگی معیار تعلق جریان ساسی به جنبش چپ از نظر ایدئولوژیکی اندیشه سیاسی و برنامه اقتصادی ضرورت تحول و دگرگونی در اصول ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم و عرصه های این تغییرات علل نشست فکری ، پراکندگی سازمانی و بحران سیاسی و سازمانی در آن شرایط و پیشبرد روند اتحاد عمل میان نیروهای مختلف (چپ) با حفظ هویت مستقل سازمانی و سیاسی صورت پذیرد. شرکت فعال تمام نیروهای چپ داخل کشور در اینگونه مباحثات موجب هرچه پربارتر شدن زنده و خلاق و پویاتر شدن این بحثها می گردد. در نتیجه مباحثات فوق و پس از تلاش و فعالیت شبانه روزی در

سالهاي فوق و پس از ميز گرد سياسي که پيروز دواني بعنوان يکي از فعالين چپ در مقابل سه حزب تاثيرگذار آن زمان پاي ميزگرد سياسي نشسته و از حقانيت چپ دفاع و لياقت خود را به عنوان سخنگوي بخشي از چپ کشور را به اثبات رساند و چپ فعال آن موقع پيروز دواني را به حق سخنگوي بخش علني خود يعني اتحاد براي دم. کراسي نمودوايشان با اعلام موج. ديت سازمان ، سخنگويي آنرا پذيرفت تا در تدارك کنگره براي آذرماه سال 1377 باشد.

از اين بحثها که بگذريم در طول اين ده سال گذشته که دهمين سالگرد پيروز هم مي باشد، بايد پذيرفت که از بين تمام منشورها و نامه هاي امضا شده از طرف فعالين کشور هيچکدام به اندازه برنامه حداقل اتحاد چپ دمکراتيک پخته تر، محکمتر، و گوياتر براي جريان جنبش چپ نمي باشد. لذا پيشهاد مي گردد عزيزين و دوستان در دهمين سالگرد شهادت پيروز دواني مجددا برنامه حداقل اتحاد چپ را به نقد و بررسي بگذارند و جنبش چپ کشور را از اين بحران پراکندگي نجات دهند. اجازه دهيد بگويم که احزاب و سازمانهاي خارج از کشور در اين دو دهه گذشته نشان داده اند که در داخل کشور آنچنان تاثير گذاري ندارند و لذا ضمن خسته نباشيد به رفقاي خارج از کشور که در مبارزات مردم کشورمان از هيچ چيزي دريغ نکرده اند و همواره غم و غصه اين مردم بلا زده کشورمان را خورده اند ، اجازه مي خواهم صبر و شکيبايي خود را حفظ و از حرکت داخل کشور اگر حمايت نکردند حداقل از ننگ و تهمت و افترا دوري نمايند، تا بتوانيم نسبت به خواستههاي حداقل خودمان فعاليتهايي را شروع کنيم .

سخن آخر را نیز با مقاله آیین مردانگی به پایان می‌رسانم:

آنها که بر ایرهایی مردم از استبداد و استعمار و استثمار، فقر و جهل و بیماری، جنگ، ترس و نابرابری، ستیز می‌کند آگاه هستند که نیل به این اهداف، جلیل آسان نیست. تاریخ چنان ساخته شده است که برای پیشرفت آن، قهرمان ضروری است. برای این کار خلق قهرمان و قهرمان خلق لازمند تا کوههای مشکلات را از سر راه بردارند، بی دریغ جانبازی کنند، جسورانه به مواضع دشمن هجوم برند، و با سوختن هیمة هستی خود شعله نبرد زندگی را بر افروزند. تاریخ عرصه عمل قهرمانان است و قهرمانان پیشگامان خلق اند و خلقها پرورنده قهرمان، مبارزان واقعی حتی در دوران حاکمیت استبداد خشن، دوران رکود و در فضای مملو از ترس، یاس، سوظنو بد بینی، تردید و بی اعتمادی، بی توجهی و انفعال و... لحظه ای از مبارزه برای آزادی مردم دست نمیکشند. در نزد آنان، آنجا که پای منافع مردم، مصالح میهن و نیازمندیهای جنبش مردمی در مین باشد، فلسفه های شک آلود، سفسطه های مبهم، طنزها و ریشخندها، انگ و تهمتهای حقیرانه، به خودی خود خرد می‌شوند. برای این قهرمانان، مبارزه با همه آنچه که آدمی را از آزاد به اسیر مبدل سازد، یک وظیفه مهم ملی است. و شهیدان قهرمان خلق، در راه انجام چنین وظیفه ای بود که خود را فدا کردند. آنان در چنین نبردی، شادی می‌دیدند و افتخار، در تسلیم اندوه می‌یافتند و ننگ.

نبرد مقدس و حماسه ای این دلاوران فراموش ناشدنی است. از این میان حتی یک نام را نباید فراموش کرد

. نام هر يك از آنان كه به نام آرمان مقدس آزادي خلق و ايتقلال ميهن به دست ستمگران به خاك و خون غلطیده يا آذین دارها شده اند، باید مورد ستایش قرار گیرد. آنها رفتند ، اما آن خلقي بزرگ است كه سپاسگزار صميم خدمتگزاران صديق خود باشد. چه چیز از شهادت و ايثار نفس در اثبات صداقت خود بالاتر؟؟ چگونه ميتوان اين دوستان شايسته خلق را از خاطرات زدود؟؟ هرگز... .

پاسداري از نام و خاطره اين قهرمانان در پرتو تقويت خواست ضد استبدادي و حق طلبانه آنها ، دفاع از حقوق انساني، گسترش مبارزه دمكراتيك پاي بند به آرمانهاي والاي انساني و شرافت و اصول اخلاقي ، مقابله با ياس و ترس و انفعال ، تامين اتحاد عملو پرهيز از تفرقه ميسر مي باشد.

درسهتي تاريخ مهيب و خونين است. خاطره شهيدان مارا به اتحاد فرا مي خواند . بايد از تفرقه پرهيز جست و به اتحاد روي آورد . اتحادي كه بر اساس احساس مشترك ، درد و رنج مشترك و منافع مشترك شكل مي گيرد .

نيروي ما، مخالفان استبداد ، اندك نمي باشد. اگر اين نيرو به جاي آنكه صرف ناتوان كردن يكدیگر و انگ و تهمت زدن به ديگران و محدود كردن فعاليت همديگر شود ، قدرت دگرگون كننده خود را متوجه تامين آزادي در ميهن سازد، قطعاً روز پيروزي نزديك خواهد شد و اين همان چيزي است كه شهيدان مي خواستند.

درود پرشور به خاطره تابناك شهيدان خلق

نامشان جاويد، راهشان پر رهرو و يادشان گرامي باد